

متن پرسش

سلام ببخشید مسئله مشکلی ذهن بنده را درگیر کرده است: «چرا زندگی و همه چیزهایی که به آن متعلق است باید طوری شود که گام به گام انقلاب اسلامی پیش برود و ترقی کند؟». سؤال را تشریح می‌کنم: از گفتار شما برمی‌آید که گویا تنها راه نجات سردرگمی بشریت این است که رو به انقلاب اسلامی بیاورد. «علم» بیاموزد که انقلاب در مسائل علمی تقویت شود. «فلسفه» بخواند تا پایه های عقلی انقلاب را محکم کند. «سیاست» بداند و مشکلات سیاسی انقلاب را بهبود ببخشد. «رسانه» را گسترش بدهد تا انقلاب برای جهانیان نمایان شود. و از این قبیل مطالب... چرا همه شان در تحقق انقلاب اسلامی باید صرف شوند؟ مگر چه هدفی است این انقلاب که تنها و تنها باید در ذیل آن و در گرو آن بود که به سعادت و رستگاری رسید؟ خیلی از مردمان هستند که علم می‌آموزند و ترقی می‌کنند و کسب معرفت می‌نمایند، ولی هدفشان اصلاً انقلاب اسلامی نیست. این افراد چه تفاوتی با افرادی دارند که همه اینها را برای تحقق انقلاب اسلامی می‌خواهند؟ اصلاً اساسی‌تر بخواهم بپرسم: «چرا انقلاب اسلامی و آرمانهای اسلامی انقلاب؟». در سرتاسر جهان ارزش‌ها یکسان هست: اخلاق نیکو، رعایت و مراعات یکدیگر، احترام، ادب، کمک به نیازمندان و... این چه سزای است که همه اینها را باید ذیل انقلاب اسلامی معنا کنیم تا سودبخش باشند؟ با تشکر □

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: بحث در بهترین حضور است که انسان باید در نزد خود آن را احساس کند بخصوص در تاریخی که بشر جدید طی ۴۰۰ سال تلاش کرد به هر آنچه از نظر دنیایی نیاز داشت، برسد. و درست در همان جهان مدرن، ناگهان پوچی و نیست‌انگاری تمام وجود بشر جدید را فرا گرفت، به طوری که به گفته میشل فوکو: در قرن گذشته خواستیم بگوییم خدا مُرده است، ناگهان در این قرن متوجه شدیم بشر مُرد. انقلاب اسلامی، روحی است در مواجهه با چنین جهانی تا انسان ذیل اراده الهی خود را در این تاریخ، آری! در همین تاریخ ادامه دهد تا در عین وسعت‌یافتن به وسعت انسان آخرالزمانی معنا و گرمی حیات را از دست ندهد، یعنی زمین خود را به ملکوت عالم متصل کند. موفق باشید